



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2022.72324.1073

مقاله پژوهشی

تحلیل کیفی زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری رقابت منفی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر قوچان

محمود رضائی اترآباد (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

rezaei.mahmoud@mail.um.ac.ir

بهروز مهram (دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

bmahram@um.ac.ir

احمدرضا حیدریان شهری (دانشیار گروه ادبیات عرب، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

heidaryan@um.ac.ir

چکیده

این مطالعه با هدف واکاوی زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری رقابت دانش‌آموزان متوسطه در شهر قوچان انجام شد. رویکرد حاکم، کیفی بود و از پارادایم تفسیری و پویای روایتی بهره گرفته شد. همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه ساختارنا یافته استفاده شد. قلمروی پژوهش در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ و دو دبیرستان پسرانه در شهر قوچان بود. با ۲۲ نفر مصاحبه انجام گرفت که ۱۷ نفر دانش‌آموز و ۵ نفر دبیر بودند. دانش‌آموزان مشارکت‌کننده با استفاده از روش گلوله‌برفی و براساس معیار دارا بودن ویژگی‌های رقابتی انتخاب شدند. برای اعتباربخشی به یافته‌های پژوهش از فنون سه‌سویه‌سازی و توصیف غنی و واریسی متون بازنویسی شده توسط مصاحبه‌شونده‌ها استفاده شد. تحلیل یافته‌ها از طریق تحلیل مضمون (تماتیک) و از طریق کدگذاری باز و محوری انجام پذیرفت. گزارش این پژوهش همراستای با تجویز استفاده از زبان هنر در پژوهش‌های روایتی، به صورت

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۲۱-۲۵۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

نظم (شعر)^۱ تدوین یافت. عواملی همچون کسب محبوبیت، جلوگیری از تحقیر، توانایی رقابت کردن، مقایسه‌های والدین، جلب توجه معلم و ترس از پیشی گرفتن رقبا از جمله مواردی بود که موجب تشدید رقابت منفی بین دانش‌آموزان می‌شد. ارزیابی فعال و مستمر معلمان، ایجاد نیاز یادگیری در دانش‌آموزان برای ایجاد اشتیاق درونی و فراغت از جلب توجه دیگران و آموزش و آگاه‌سازی خانواده درباره آسیب‌های رقابت، از پیشنهادها این مطالعه بود.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، رقابت، پویش روایتی، شعر، دانش‌آموزان.

۱. مطالعات مبتنی بر پویش روایتی، متمرکز بر تجربه‌های زیسته درباره زندگی و کیفیت آن در بافتی اجتماعی است. در مواجهه با این روش، برخی مانند Elbaz (نقل شده در کانلی و کلاندینین اثر شورت و ترجمه مهرمحمدی: روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی، ص. ۱۶۶) دغدغه اصلی را داستان می‌دانند. این داستان روایتی از پیرامون ماست؛ روایتی که می‌تواند با شیوه‌ای پست مدرن و ساختار شکنانه، کلیت وجودی مخاطب را مشتمل بر عقل و احساس فراخوان کند و او را به سیری عمیق در پدیده اجتماعی مطالعه شده همراه کند. هوگان و نادینگر این منظور را با عنوان «شنیده شدن صدا» بیان می‌کنند و آن را تلاش شخص برای انتقال یک مفهوم به دیگری ذکر می‌کنند. آشنایی پژوهشگر با این نوع پژوهش دارای قدمتی نزدیک به دو دهه است؛ زمانی که پروفیسور نوئل گاف در نشست علمی در دانشگاه فردوسی مشهد، به رساله‌ای در مقطع دکتری اشاره کرد که به صورت شعر تدوین شده بود. او این نوع مواجهه را در راستای هدف پژوهشی روایتی دانست؛ تکنیکی که می‌تواند مبتنی بر رویکردی خردگرایانه و روشی پدیدارشناسانه باشد. پستوانه‌های متعددی دست‌یافتنی است که می‌تواند این نوع نگارش و تنظیم گزارش‌های پژوهشی را توجیه کند؛ چنانچه کانلی و کلاندینین در مواجهه با روایت تصریح می‌کنند که نباید زبان ضابطه‌های روایت را به زبانی فروکاست که برای شکل‌های دیگر پژوهش ساخته شده است (اثر شورت، ص. ۱۸۱). اسپنس نیز برای حقیقت‌روایی (روایت)، چهار عنصر را دخیل می‌داند که یکی از آنها «قطعیت زیبایی‌شناختی» است.

بایرن نیز شیوه‌هایی بدیل و به‌خصوص استفاده از شعر را برای ساخت و انتقال معانی ارائه و پیشنهاد می‌کند. فارمن هم عنوان می‌کند که:

“The use of poetry and narrative as tools in qualitative research is explored. Poetry and narrative are shown to be valuable tools for presenting people’s lived experiences

این نوع مطالعات را می‌توان دارای ریشه‌هایی عمیق در فرهنگ و ادبیات فارسی دانست. آثار متعددی مانند بوستان و گلستان یا کلیله و دمنه را می‌توان مثال زد که برای توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی و تربیتی از نثر و نظم بهره‌جسته‌اند و با بهره‌گیری از حکایات و ظرایف ادبی به انتقال پیام پرداخته‌اند؛ باری که می‌تواند برای تعمیق هر چه بیشتر فهم پدیده‌ها از طریق همسویی احساس و اندیشه و مبتنی بر رویکرد کیفی در پژوهش فراهم آید.

۱. مقدمه

سوت تعلیم عمومی چون زنند اکثرأً روبه مدارس آورند پشت هر مقطع هزاران ریزش است ریزش از ناکامی و آموزش است یک طرف معدود پیروزی رسید یک طرف جمع کثیری ناامید^۱ قصه کنکور و کهنه نردبان حال ایران است کاید بر زبان ساختاری کاذب از دستورها می‌کند نزدیک‌ها را دورها شیوه برنامه‌ریزی گونه‌ایست کانعطاف اندر اصولش بیش نیست نی تنوع در نیاز و بهر شوق نی توجه بهر استعداد و ذوق نی توجه بر ضرورت‌های روز نژ تحول کرده تدبیری هنوز رویکرد غالبش رفتاری است نمره و پاداش در وی جاری است سبک‌های یادگیری سنتی است اندرونش این رقابت آفتی است

انتظار آن است در غوغای درس دو گروه در تربیت آیند و بس یک گروهی نخبه‌های درس‌خوار دیگری کارگرانی عشقِ کار^۲ گوئیا دستی نهان این را نوشت کرد محکوم این دو را زین سرنوشت بهر تولید است مشق و درس ما نقدکردن یا تفکر ترس ما^۳ یک طرف خوب و مطیع و کارگر یک طرف مغزیست در راه سفر زین یکی محروم گردد سرزمین زان یکی وضع کنون همواره این کارگر خواهند و پیرو در نهان تو از اینجا خوان تمام داستان قبل از آن کز این رقابت دم زخم جای دارد فهم آن روشن کنم بوم پایان‌نامه زین نقش و نگار کم کمک گردد ز تحقیق آشکار نقش‌هایی از حکایاتی وزین

2. Ornstein (2018, p. 32, Quoted from Phillip Jackson)

3. Ornstein (2018, p. 32, Quoted from John Holt)

رنگ‌هایی با اشاراتی گزین سعی دارم با روایاتی بجای از حکایات و زبان بچه‌ها از تجارب و زنگاه نکته‌بین دلخوری‌ها با بیانی دلنشین بازسازی می‌نمایم داستان^۱ تا که شیرین‌تر بیاید در بیان هر کجا تمثیل شیرین‌تر کند آورم تا کام خشکت تر کند باب تمثیل از گذشته باز بود قصه‌ای با یک مثل آغاز بود چون کلیله دمنه یا هم مثنوی نکته‌هایی کم نظیر از مولوی تا که بهتر جا بیفتد آن نکات کاین مثل بس صرفه دارد در دوات چاقوی تحلیل بر اجرا زخم دست خود بر آنچه ناپیدا زخم آنچه در برنامه درسی نهان گشته را خواهم چنین سازم عیان آنچه پنهان است پشت این هدف کشف باید همچو گوهر در صدف بر رقابت هر چه می‌دارد اثر

سعی خواهم کرد زان جویم خبر از نظام درسی و تقصیرها نقش اسناد فرادستی ما از قوانین وانچه شد هنجار ما وانچه نوشته است و شد رفتار ما^۲ هر چه تندور رقابت گرم داشت هر که خوب هیزمش از قبل کاشت جملگی مقصود پایان نامه است تارو پود بسته این جامه است جامه می‌باید که دوزیم از نهان تا نیاید در نظر نخ‌های آن نخ همان پیشینه باشد در مثال جامه محکم می‌شود زین اتصال از کجا ناشی رقابت می‌شود^۳ کشت آموزش در آفت می‌شود از محاسن وز معایب هر چه هست^۴ سعی باید کرد تا آید به دست یا چه فرهنگ رقابت می‌شود باعث این درک مثبت می‌شود^۵

۲. برنامه درسی پنهان (hidden curriculum)

۳. سؤال اول

۴. سؤال دوم

۵. تعبیری دیگر از سؤال دوم

1. Coles (1989)

بحث باید جاگزین‌اش لازم است؟^۱
 بحث اصلاً این چنین‌اش لازم است؟
 درنهایت چیست آثار نهان^۲
 چیست زیر جنس‌های این دکان
 از پس این تلخ و شیرینی چه چیز
 عاید شاگرد گردد ناگزیر
 از رواج این رقابت در کجا
 می‌شود شخصی به درمان مبتلا
 این رقابت با دو شهرت آورند
 آنچه می‌گوییم، نامش بد برند
 نیست مستثنا چو قوچان زین بلا
 شرح خواهم داد شرح ماجرا
 مقصد کنکور و راهی پر نشیب
 هم‌کلاسی بنگرد دائم رقیب
 هم رسانه دم زند بر آتشش
 مدرسه هم می‌دهد بال و پرش
 والدین از سوی دیگر در خروش
 ظرف آنان داغ‌تر از آتش
 آن طرف از فصل‌های هر کتاب
 بگذرد از وقت کم زان با شتاب
 جملگی درس است و درس و درس و درس

۱. سؤال سوم

۲. سؤال چهارم

3. Theoretical generalization

بهر کسب بی‌نش اما نافعست
پرسش این باشد رقابت از کجا
و ا شود پایش درون ما اجرا
بستر تحقیق قوچان است و باز
شرح می‌باید که گردد چاره‌ساز

۲. تعاریف مفهومی

شد رقابت با تسابق^۱ هم ردیف
گرچه یکسان نیستند و یک حریف
گرچه گاهی اشتباهاً جای هم
در بیان آیند در معنای هم
یک تفاوت باشد اینجا آشکار
کز دل نیت برآید فرق کار
در تسابق کوشش است و جدیت
نیست در مقصود آن محدودیت
هست پیروزی برای هر دو سو
در موازاتند نی در روبه‌رو
نیست اینجا رتبه‌بندی در میان
زان نباشد باخت هرگز اندر آن
در رقابت بحث جور دیگری است
جنگ و دعوایی برای برتری است
چون که محدود است پاداش و جزا^۲

یک نفر شاد است و باقی در عزا
جمله در یک خط و سبقت شد هدف
یک نفر پیروز و باقی پشت صاف
در رقابت چون هدف محدود شد
آشکارا دشمنی مقصود شد
با همه این‌ها رقابت همچنان
هست یک انگیزه نزد مردمان^۳
واژه‌ای کاینجا سخن از آن رود
واژه فرهنگ و معنایش بُود
واژه فرهنگ از تنگ و فر است
فر شکوه و شوکت و هرچه سر است
تنگ اوستایی نقش است و نگار
برکشیدن معنی‌اش هست از قرار^۴
واژه فرهنگ در این ساختار
زین دو مطلب می‌نماید آشکار
حاصل اندیشه‌ها هنجارها
هم رسوم و شیوه‌های کارها^۵
یا بود فهمی ز الگوها بسا
در میان جامعه گیرد غنا

۳. شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵

۴. لغت نامه دهخدا (نسخه دیجیتال براساس نسخه

۱۲ جلدی فیزیکی)

۵. شارون (۱۳۷۹)، ص. ۶۶

۱. معادل مسابقه (پیشی گرفتن بر هم) فرهنگ معین

2. McCarthy (2017)

منتقل گردد به‌سان یک نماد درک گردد جملگی را چون سواد^۱ آنچه از عادات و آداب کنون از میان اجتماع آید برون از غلط یا از درستی والدین^۲ می‌پذیرندش ز عامل‌های بین هم چو تصدیق رقابت در کلاس یا که آثار رقابت بر کلاس آنچه بی‌الزام بینیمش وفور تا که عادت می‌شود چون طعم شور هرچه عادت شد پذیرش می‌شود این پذیرش عرف را مبنای بود

۳. پیشینه نظری (چارچوب مفهومی)

۱.۳. رقابت

از رقابت ابتدا گویم سخن کان بود در بحث، شمع انجمن در مقام وصف می‌گویند آن^۳ حالتی باشد میان مردمان همچنین این واژه تنها آن زمان

در همین معنی بیاید بر زبان کاندر آن برخورد رویارو^۴ بود غیر از آن معنای آن وارو بود دیگری گوید که نوعی باشد آن^۵ از تعامل‌های انسانی‌مان چون تعصب یا که همچون دشمنی می‌شود ظاهر به نحو احسنی همچنین وقتی منابع کم شوند بهر کسب آن رقیب هم شوند یونگ^۶ می‌گوید رقابت صورتیست^۷ از تقابل که در آن همواره نیست مقصدش تنها شکست دیگران بره‌هدف دارد نگاه و کسب آن لیک گویی وصف فوق از بحث پیش برتسابق منطبق‌تر هست بیش نیز گوید آنچه موجب می‌شود تا رقابت را فراهم آورد سعی در کسب هر آنچه روی خاک نادر است و نیست ممکن اشتراک

۴. مستقیم

5. Myer (1988)

6. Yong

۷. ساروخانی (۱۳۷۰، ص. ۴۵)

۱. ساروخانی (۱۳۷۵، ص. ۱۷۵)

2. Babbedge, Strudwick & Thacker (2005)

3. Reber (1985)

دوب^۱ گوید که رقابت کوششی است بهر کسب آنچه را تقسیم نیست نیز گوید جیمز در توصیف آن چون غریزه می‌کند تحریکمان تا به کار و کوشش او گردد چنان یا برابر یا فزون از دیگران^۲ کوهن گوید گر رقابت جاری است^۳ رویکرد کلی‌اش رفتاری است گوید او از بهر پاداش از کسی در رقابت پای بگذارد بسی از ستیز و از حسادت در نهان شکل گیرد بستری در زیر آن این زمان شایع شکایت‌ها بود بحث بی‌عدلی حکایت‌ها بود گوید او پاداش در این رویکرد هیچ نقش مثبتی ایفا نکرد داشت نی در یادگیری کاربرد نی عملکرد بهینه پیش برد هر دو شکل بحث پاداش از شگفت جنبه منفی به هر نوعش گرفت

اولی وضعیست کاندر متن کار هست کمبودی دروغین برقرار همچو تندیس و مدال برترین تا رقابت می‌شود با آن قرین این‌چنین القا شود که هرکسی مانع بُردم تواند شد بسی دومی وقتی که پاداشی کم است هرکسی بهر شکارش ملزم است
۳.۲. برنامه درسی^۴

هست در معنای میدان نبرد یا چنان راهی که باید سیر کرده آمده، تعریف آن یک گونه نیست روبه‌رو این حوزه با بحران «چیست»؟ از نگاه آیزنر تعریف آن هست با هر رویدادی توأمان مدرسه یا در کلاس و هر مکان آنچه شد برنامه‌ریزی آن زمان هست تعبیری صحیح از این کلام گر هدف هم در نظر آید تمام^۶

۴. واژه Curriculum از ریشه لاتین Course Race به دست آمده است.

5. Zais (1976)

6. Eisner (2002)

1. Doob

۲. شعاری نژاد (۱۳۷۲)

3. Kohn (1999)

چون تفاوت در تعاریف آید این رشته مذکور باشد بس وزین کز فزونی اندرین حوزه یقین بحث‌های تازه گردد جانشین^۱

۴. پیشینه تجربی

در یکی تحقیق این سان آمدست^۲ وین نتایج اندر آن آمد بدست^۳ کز رقابت‌های فردی بیشتر هر تلاش فردی‌ای دارد اثر یک پژوهش روی طیف کودکان این‌چنین آورده‌اش کرده بیان کودکان در کودکی وز ابتدا از رقابت دور هستند و رها جای آن در بازی و رفتار خویش می‌نماید یاری‌اش را یار خویش یا که در بیش از دو سالان دیده‌اند میوه یاری ز رحمت چیده‌اند

۱. فتحی و اجارگاه (۱۳۸۶)

۲. اصلانی (۱۳۷۷)

۳. این پژوهش با عنوان «مقایسه اثربخشی سه روش رقابت فردی و تلاش فردی و رقابت گروهی در پیشرفت دانش‌آموزان» بر دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهرستان خوی انجام شده و با آزمون توکی تفاوت‌های معنادار تأیید شده است.

کودک از این سن بکوشد آشکار با هر آن چیزی که دارد اختیار با زبان کوشد غمی پنهان کند همدلی با خاصه غمگینان کند^۴ پس چه می‌گردد که بعد سال چند از رقابت می‌شود یاری به بند از پژوهش‌های دیگر گفتنیست دردو نوعش مثل هم تأثیر نیست مستقیمش کم کند انگیزه‌ها چون زیرون است و کم دارد بها نوع دیگر برخلافش تا کمی می‌کند انگیزه را افزون همی چون که شد شایستگی همراه آن می‌دهد تأثیر زین رو آن چنان این دو را توصیف باید بیشتر تا بگیرد بیشتر در تو اثر اولی را لاجرم جنگ و ستیز بهر پیروزی بیاید ناگزیز یک طرف توفیق، کم، آن سوی بیش هر طرف در فکر و در سودای خویش نوع دیگر بیش خواهد، کار کرد هیچ در سر نیست سودای نبرد

4. Feshbach (1991)

غیرشخصی هست چون معیارِ او کار او گردد رقیبِ کار او آن عملکردی که باشد بهترین هست هنجار و ملاکی جاگزین باختن اینجا ز جا برپا شود سعی و کوشش باز پابرجا شود می شود تعدیل، مفهوم شکست هر که دل بر کارکرد خویش بست^۱ و آنچه غیر مستقیمش خوانده شد با تسابق بر زبانم رانده شد آنچه بود اینجا مراد از مستقیم با رقابت گشت تعریفش ندیم هر چه ناهنجاری است از این بود غافل این از کرده پیشین بود هست پیروزی هدف در این نگاه بر برون دارد نظر این دیدگاه در تکالیف سبک تر گفتنیست دانش آموز رقابت جو قویست^۲ چون نتایج هست در نزدش اهم یادگیری گر فداهم شد چه غم گر بیاید یک شکستی هم به پیش

دست می شوید ز سعی و کار بیش^۳ در عوض آنجا که همکاری کنند پر شود از شوق چون یاری کنند چون رقابت از برون انگیزش است شوق آموزش از آن در ریزش است^۴ ناقدان از این رقابت نکته چند در پژوهش های دیگر گفته اند چون می آموزند اولاد ذکور اجتماعی تر شدن از این امور^۵ از مهار آنچه تشدیدش کند سعی باید کرد تحدیدش کند هم می افزاید که شوقش مقطعی است در پی اش آثار منفی ماندنیست یک طرف بازنده با حس شکست آن طرف در باد کبر و خودپرست هم خشونت هم تقلب در جواب حس ناامنی و بعدش اضطراب^۶ گفته شد میل رقابت در ذکور در قیاس دختران دارد و فور

3. Lam & Chenug (2004)

4. Deci & Ryan (1985)

۵. مقصود از طریق رقابت کردن

6. Kohn (1986)

1. Tripathi (1992)

۲. این پژوهش بر دانش آموزان چینی انجام شد.

با خودآموزی است ربطش واژگون^۱ کم شود گر شد رقابت‌ها فزون^۲ چون یکی علت برون آید ز قال علتی دیگر نمی‌باشد محال جز رقابت بر خودآموزی مگر^۳ علتی دیگر همی دارد اثر دیگری گوید هدف چون نمره است یادگیری سطحی است و پیش دست^۴ آنکه پندارد که نمره است آن ثمر لذت کارش کجا آید نظر نکته‌ای اینجا نهان از بهر توست یا هر آنکس کاندرا آن انگیزه جست^۵ از دگر تحقیق می‌آید به دست^۶ اغنیا را میل بر آن کمترست در ضعیفان^۷ نمره خود انگیزه ایست تا بگوید بهترین در کار کیست

نمره‌ای چون موجب تمجید شد صاحب آن مورد تأیید شد آن اوایل هست تشویق و قیاس بیشتر از این اواخر در کلاس زین سبب انگیزه هی کمتر شود شوق بیرونی ز سرها در شود^۸ یک پژوهش بر رقابت برده دست^۹ سعی در کشف عوامل کرده است^{۱۰} هفت عامل کشف و می‌گردد بیان سه پسرها سهم و چارش دختران از دگر تحقیق اینجا نکته‌هاست^{۱۱} ذکر یک چندی پیامد زان بجاست هر کرا میل رقابت اندروست بیشتر از سایرین پرخاشجوست چاره‌جو و مبتکر در کار گشت هرکسی چون گرد هر دشوار گشت

۱. این پژوهش بر دانش‌آموزان پایه هفتم مدرسه‌ای در هنگ کنگ صورت گرفته است؛ زمانی که از گروه رقابت جویی در یادگیری جانشینی مشارکت می‌کردند.

2. Chan & Lam (2008)

۳. در اینجا به معنی شاید.

۴. به‌جای پیش پا

5. Amabile (1982)

۶. دیانی و تقی‌پناهی (۱۳۸۷)

۷. از لحاظ مالی

۸. این پژوهش به منظور بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه‌های مطالعه، روی ۳۰۴ نفر از دانش‌آموزان پنجم دبستان و سوم راهنمایی شهر مشهد انجام شد.

۹. صادقی (۱۳۹۰)

۱۰. این پژوهش بر ۴۰۰ دانش‌آموز پسر و دختر دبیرستان‌های تهران در زمینه عوامل رقابت‌جویی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی انجام گرفته است.

11. Franken (1995)

چند گوید از دلایل بهر آن در سه فرض آورده آن را در بیان در یکی گوید به هر حالت همی کاندر آن باشد رقابت هم کمی چون در آن پیروز و هم بازنده هست هم در آنجا اشک هست و خنده هست چون کسی خواهد شود پیروزبخت لاجرم باشد رقابت‌هاش سخت در دگر گوید رقابت قادر است تا فزاید بر مهارت هر چه هست چون چنین گردید بهبود عمل می‌نماید مشکلاتش جمله حل در دلیل آخرش گوید که این^۱ می‌کند انگیزه‌ها را بیش ازین هست تحلیلی مناسب این زمان تا نکاتی گفته آید در میان آخرین فرض آن چنان انگاشته منبع انگیزشش پنداشته حال باید دید حدش تا کجاست تا کجا پندار ما بس نابعاست لازم آمد کشف عامل‌ها شود

تا گره‌هایش پس از آن و اشود آنچه بگذشت از پژوهش در نظر جملگی‌شان داشت بر کارم اثر حوزه اجرا پژوهش کسر داشت صحنه خود بر جنس کار ما گذاشت تا به واکاوی آن دل بسپریم نکته‌هایی زان میان بیرون بریم ۵. روش پژوهش (روش، جامعه و نمونه، ابزار و شیوه تحلیل داده‌ها)

چون پژوهش‌های کیفی درخور است این چنین تحقیق اینجا بهتر است چون تجارب زنده است و نزد فرد پس پدیدارانه^۲ باشد رویکرد نوع پوشش هم روایی^۳ هست این از نکات و خاطراتی دستچین انتخاب دانش آموز درست با گلوله برفی‌اش خواهیم جست زانکه کیفیت ملاک کارماست این روش اینجا برای ما بجاست سال هفتم تا دهم مقصود ماست

۲. پدیدارشناسانه (phenomenology)

3. Narrative inquiry

۱. رقابت

دانش‌آموزی اگر ذکرش بجاست^۱ زانکه سن نوجوانی بیشتر هست در معرض پیامد در نظر برتری‌جویی است در رفتار او^۲ بیشتر گردد عیان در کار او هم کلامی^۳ و نظرکردن بسا هست ابزار پژوهش‌های ما آن چه در بحث است دیگر جای نیست حس و باور زین تعامل گفتنیست^۴ بهر پاسخ بر سؤال اولین بحث جمعی باید و پرسش یقین میوه را باید درون ریشه جست هر عمل را در همان اندیشه جست هر که درگیر رقابت بود راست^۵ یک چنین بحث عمیقی را سزاست

تا برآری سر زکار آنچه هست بحث باید کرد در چندین نشست در سؤال دوم و سوم یقین در ضرورت‌های طرح جاگزین از روش‌های سؤال از نخبگان وان منابع کامد این مطلب در آن در سؤال آخرین هم لاجرم پای باید در روایت‌ها نهم از روایت‌ها برون آید یقین نکته‌هایی خفته زیر پوستین کاربرگ کدگذاری همچنمین هست وقت هم کلامی چون قرین شیوه تحلیل ثبت و سازمان کدگذاری‌های مضمون‌ها در آن تا به تحلیل مضامین دست برد کشف علت را بدان خواهم سپرد

۵. ۱. شیوه اعتباربخشی به نتایج

متن چون شد هم کلامی آن زمان با پژوهیده گذارم در میان^۶ رفت و برگشت مباحث بعد کار هست اینجا راهکار اعتبار

۱. نمونه، افرادی از دبیرستان دوره اول پسرانه شهید ستوده و دوره دوم هنرستان محمودیه ۱۲ شهرستان قوچان بودند که به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند.

۲. اکبری (۱۳۹۰)

۳. در این نوشتار به جای واژه «مصاحبه» به کار گرفته شده است.

۴. جای دیگر

۵. ریچارد (به نقل از گال و همکاران (۱۳۹۱))

۶. را است.

۷. گال و همکاران (۱۳۹۱)

چون معاون هستم آنجا لاجرم هست دایم در نظارت منظرم از دبیران چون فراگیران چنین در نمون آرم که بیش آید یقین با نظارت چون درآیند آشکار می‌کنم کامل سه‌سویه از قرار

۲.۵. ملاحظات اخلاقی پژوهش

بر پژوهیده بود حقی که ما حفظ داریم این حقوقش بی‌چرا قبل ثبت و ضبط رخصت لازم است بهر پاسخ نیز فرصت لازم است شد رضایت شرط ثبت واقعات راستی باید چو می‌جویی نجات بهر تمدید حضورش پای کار مطمئناً دارد او این اختیار در حریم شخصی‌اش بی‌شک ورود نیست الزام و رعایت شد حدود سعی باید موقعی غیر از کلاس با پژوهیده کنم حاصل تماس بر پژوهیده من اطمینان دهم

نامی از ایشان نیاید بر قلم
۶. یافته‌ها

در میان دانش‌آموزان بسی گشتم و درچین نمودم هرکسی تا به هفده تن که تعدادش رسید گشت اشباع و از آن کدها پدید عاقبت پنجاه و دو کد شد پدید در کلاس هشت هریک صف کشید این مفاهیم از سه سو شد برقرار هر یکی می‌کرد نقشی آشکار شرح آن در انتها در جدولی آورم چونان که زارع حاصلی آنچه می‌آید ز باب اختصار چون گلاب آرم ولیکن با عیار نکته‌هایی گفته شد در هر جواب آنچه کار آید نمودم انتخاب در سه محور گشت این کدها عیان تحت هر نقشی دهم هریک نشان ۶.۱. کد محوری نخست: چکیده صحبت‌هایی که از آن به نقش معلم اشاره شده است

روزی از سالن رسید آوای تار بس که دلکش بود گشتم بی‌قرار

از همان آغاز کردم گفتگوی بخت بهتر یار شد از جست‌وجوی از خودت گفتم بگو بی‌کم و کاست آنچه می‌دانی که در کارم بجاست هر سؤالی را کمی با آب و تاب از صمیم قلب می‌دادم جواب گفست از اول من اول بوده‌ام ترسم از آن بودم نمره کم گفست آری خلق خوش شاید دبیر چون لباسی هست کار آید^۱ دبیر خلق نیکو جذب می‌دارد کلاس روی خوش هم جمع می‌دارد حواس چون معلم این چنین بودش منش خوش بیاید درس او با هر روش جملگی خواهان جلب او شوند گوشه چشمی گر کند با سر دوند گفست خلق نیک اگر دارد دبیر جمله شاگردان کند با آن اسیر جملگی مشتاق درس او شوند دانش‌آموزند و دانشجو شوند گفست پیش از سال هفتم همچنان

درس انشا داشت رنجی توأمان چون نگاهم خاص بود و بی‌بدیل خنده می‌کردند بر من بی‌دلیل سال بعد اما پر از تشویق بود نکته‌سنجی‌ها تلاشم می‌فزود تا بدانجا پیش رفتم که خودم در مصاف کشوری اول شدم سال بعد از آن دبیری تندخو کرد احوالم دقیقاً زیر و رو بی‌توجه بود استعداد را حبس می‌کرد او به لب فریاد را تا بدانجایی که در خود رفته‌ام هر مشاور را که می‌شد رفته‌ام گفست گر ما را شناسد یک دبیر یا که چون سازد فضا را دلپذیر نیک داند در که^۲ استعداد چیست و آنچه می‌سازد فضا را شاد چیست خواستن همچون توانستن که نیست یا که استعداد، دانستن که نیست آنکه داند فرق بین این و آن درس راحت‌تر دهد او بی‌گمان

۱. که آرایید: آراسته می‌کند

۲. چه کسی

گفت تشویق است پاداشی نکو
 آنچه باشد مرتبط با کار او
 سال هشتم ساعت فناوری
 یک دبیری بود محض داوری
 می شمرد ستاره‌های طول سال
 کز درخشش بود مانند مدال
 ارزشش بر ما فزون‌تر می نمود
 زین سبب خود اشتیاق درس بود
 گفت گر شاگرد اول می شدیم
 یا رکورد خویشتن را می زدیم
 هدیه‌ای با لوح تقدیر آن زمان
 می رسید از دست آنان دستمان
 داشت آنجا لوح تقدیر امتیاز
 در قبولی‌ها وجودش یک نیاز
 آنچنان آنجا رقابت تنگ بود
 کز برای کسب نمره جنگ بود
 تا که حتی وقت اعلامش کلاس
 هر رقیبی بود سرتاسر حواس
 چون بینی پایه باشد یک دبیر
 خود به خود آن درس گردد دلپذیر
 در عوض چون درس (جا خالی) ما
 یک دبیری آمده پر ادعا
 بد زبان و زشت خوی و پرعتاب

هم سؤال از ما بخواهد هم جواب
 خود نشیند گوشه‌ای و بی حواس
 بی خبر از ماجراهای کلاس
 حال، رو انگیزه پیدا کن درو^۱
 نصف آن را نزد ما کن جستجو
 یک دبیر دیگری داریم ما
 از لبش خنده نمی گردد جدا
 جمله یکسان اند در پندار او
 جمله خشنودند از کردار او
 شوق درس او فزون از سایر است
 جمعه گر گوید کلاسش دایر است
 گفتمت تدریس تأثیرش بسی است
 معترف بر این حقیقت هرکسی است
 گر بود تدریس جذاب و وزین
 میخ سان گوید مخاطب بر زمین
 گر تمرکز رفت از پندار ما
 می پرد همچون کبوتر هر کجا
 گر که رایانه هم اکنون هنگ کرد
 نت پرید و با تو قصد جنگ کرد
 می شوی مشغول با کار دگر
 یا پردازی به افکار دگر

۱. در او

یا که تمرین می‌کنی امضای خود یا برون از کفش‌سازی پای خود ما هم این ساینم هریک در کلاس گر تمرکز رفت چُرت است این حواس جسم ما آنجا و خود جای دگر از کلاس درس و دنیا بی خبر باز چون رایانه ات گردد دوا پیش خواهی بُرد بعدش کارها

۲.۶. کد محوری دوم: تفاوت‌های فردی

دانش‌آموزان و رقابت

روز دیگر دیگری آمد به پیش بود با همکار من فامیل و خویش رشته‌اش موسیقی و پیر جست و خیز خوش‌لباس و خوش‌زبان و تند و تیز گفتمش دانی چرا گفتم بی‌یا؟ گفت دانم اندکی اما چرا؟ گفتم آن چیزی که می‌بایست گفت هم صدایش صاف کرد و کفش جفت گفت خوش حسی دهد در امتحان چون شوم بهتر ز جمله دیگران دیگران بر من حسادت می‌کنند یا که ابراز ارادت می‌کنند چون که می‌فهمند درگیرش شوند

همچو مشتاقان فراگیرش شوند چند وقتی بعد شد در را زدند بعد رخصت از در آن دو آمدند قبلی آمد تا گشاید باب حرف آب گردد تا یخ ارباب حرف سرب به زیر و شوخ‌طبع و تیزهوش گفت من در خدمت هستم به گوش گفتم از من در فضای مدرسه هست صحبت هر کجای مدرسه لیک گویم بار دیگر با تو من تا بدانی از کجا گویی سخن یک پژوهش کرده‌ایم آغاز ما زین فراگیران کنیم افراز ما بر رقابت آنچه می‌دارد اثر سعی می‌دارم از آن یابم خبر نام تو هرگز نیاید بر قلم هرچه گویی آورم از بیش و کم گر تمایل داشتی بعد از دفاع از نتایج می‌دهم من اطلاع گفتمش گواز کلاس و جو آن جا نماند نکته‌ای در آن میان گفت مشکل در توانایی بود جای دیگر چون تماشایی بود

دیده‌ام آنان که اینجا در کلاس درس ناخوانند و بعضاً ناشناس جای دیگر گاه همچون باشگاه از درخشش، کشوری یابند راه گفت من جزو زرنگان نیستم آنچه پندارند من آن نیستم سخت باشد در رقابت ناتوان هرچه هم کوشی نباشی آنچنان من چو می‌دانم ندارم آن توان در رقابت خود نیایم بی‌گمان بچه‌ها درگیر سیگارند و کار یا رفاقت‌بازی و سودای یار هرکسی جوری گرفتارکسی است چون رقابت‌جو نکوکردار کیست؟

۳.۶. کدمحوری سوم: تعامل اثرگذار

مدرسه و خانواده

ما دهم بودیم و جو آن کلاس درس محور بود و پر بود از قیاس هم ز شاهد هم نمونه داشتیم زین سبب تخم رقابت کاشتیم تا عیار خود بسنجیم از تلاش لااقل در نزد خود سازیم فاش بچه‌ها را نیست شوقی در کلاس

در کلاس اند و برون باشد حواس جو درسی نیست پس انگیزه نیست با که می‌باید رقابت، چاره چیست درس را هم کم‌اهمیت دهند امتحان را هم در آخر می‌نهند خانواده گفتمش دارد اثر؟ گفت آری بهر من هم بیشتر با پسر عمم که هم سن من است آنچنان کردند گویی دشمن است بس که آوردند ما را در قیاس در کلاس و ورزش و هوش و حواس ناخودآگاه فکر، درگیرش شود هر تلاشی تحت تأثیرش شود گفتمش در خانه هم باشد فشار؟ گفت آری از قیاس بی‌شمار بر سرم می‌زد همیشه یک کسی بود از او حرف در خانه بسی تا که شد کنکور و وضع او خراب گشتم آزاد از سؤال و از جواب تا سؤالات پژوهش را دقیق پاسخی گیرم سزاوار و عمیق با تنی چند از عوامل چون دبیر صحبتی شد درخصوصش ناگزیر

آنچه می‌آید پس از این در شمار
 زین عزیزان مانده اینجا یادگار
 این سؤالاتی که کردم انتخاب
 از عوامل هست از بهر جواب
**۶. ۴. توضیحات یک معلم درباره تأثیر
 تشویق بایک شکلات**

گرچه بی‌مقدار بود آن در نظر
 بود تشویقی مناسب در اثر
 لیک پندارم رقابت شد سبب
 کاین چنین بودند بهرش در طلب
 بحث عنوان و نه بحث خوردنی است
 در حقیقت بحث اصلی بردنی است
 عامل دیگر که بس دارد اثر
 وز مدارس، خاص دارد بیشتر
 اطلاع والدین از سطح درس
 وجه تشویقی است آن، هم وجه ترس
 در مدارس، عادی‌اش اینگونه نیست
 کم بود حساسیت، وارونه نیست
 درمیان جمع باشد بیشتر
 گیرد از تشویق یا تنبیه اثر
 گفتمش از نوع تدریسست بگو
 هرکجا نوعی است، کردم پرس‌وجو
 گفت اینجا چون که کارودانش است

درس شیمی هم عمومی، پیش دست
 سعی دارم در روش‌های المثل
 کاربردش را بگویند در عمل
 چون بود سمپاد^۱ را سبکی دگر
 لازم آید تا بگیرم در نظر
 میل بر کنکور می‌گردد سبب
 والدین از ما کنند آن را طلب
 دانش‌آموزان از آنان بیشتر
 ما هم آن خواهیم نبود درد سر
 نوع تدریس است تستی و دقیق
 گاه هم مفهومی و نغز و عمیق
 یادگیری نیست در آنجا هدف
 بل هدف کنکور و بودن پشت صف
 کار جمعی گر که دارد امتیاز
 هرکجا اجرای آن دارد جواز
 لیک چون از مابسی گیرد زمان
 کمتر آید در مدارس کارمان
 گر زمان باشد درین چاپ جدید
 می شود تدریس های نو پدید
 گر چه باشد منبع کنکورشان

۱. سمپاد به‌عنوان نمادی از مدارس خاص آورده شده
 است.

جزوه می گیرند از ما همچنان

۵.۶. یافته‌ها دربارهٔ علت‌های رقابت

هر رقابت دارد از خود علتی
 همچو تاریخی که دارد ملتئی
 خودنمایی‌ها به تعبیری کند
 یا ز تحقیری جلوگیری کند
 گفت این جلب توجه بر کسی
 نیست پوشیده، اثر دارد بسی
 تا دهد خود را به باقی هم نشان
 نیست معمولاً کسی زان در امان
 تا کند ثابت خودش را بر دبیر
 در رقابت می‌کند خود را امیر
 گفت می‌آید چنینم در نظر
 منشأ از نوع خودش گوید خبر
 هم درونی همچو کسب جایگاه
 یا برونی اینکه باشد در نگاه
 گرچه این دو مرتبط باشد به هم
 گاه یک سهمی زیاد و گاه کم
 فی‌المثل جلب توجه هم کنون
 سهم بیشش از درون بخشی برون
 کمتریش در عمل دارد نمود
 بیش از آن باشد نیازی در وجود
 از محاسن گر بگویم می‌توان

از تحرک یا که پویایی بیان
 در هدف گر هیچ تحدیدی نبود
 جنب و جوشی بهر آمیدی نبود
 باز از سعدی بگویم من سخن
 ریخت گوهرگویی او از آن دهن
 گر همه شب بود همچون شام قدر
 بود بی‌قدر آن زمانه نام قدر^۱
 وز معایب می‌توان گفتا چنین
 می‌شود موضوع اصلی جاگزین
 جای فهم و یادگیری در کلاس
 پرت گردد از رقابت‌ها حواس
 حاشیه در جای متن آید مدام
 خودنمائی شوق او سازد تمام
 یادگیری در سطوح حفظ و فهم
 در رقابت دارد آن بیشینه سهم
 بیشتر در حفظ یابد برتری
 تا برون آرد از ان سرها سری
 همچنین گاهی شکست آید به پیش
 آن زمان هم گم نماید باز، خویش

۱. برگرفته از گلستان سعدی باب هشتم در آداب صحبت که می‌فرماید: شب‌ها گر همه قدر بودی، شب قدر بی‌قدر بودی.

نوع دوم^۱ بر رقیبان سود نیست جز رقابت ساز، کس مقصود نیست کمترین گردد رقیبان را نصیب این رقابت هست معمولاً فریب این منافع تقویت سازد فضا زمین سبب خود عیب باشد از قضا یک نفر پیروز و باقی در شکست این همه عیب از یکی آید به دست یاد شعری من ز سعدی کرده‌ام بیتی از آن را کنون آورده‌ام شهر را خواهی بسوزد بین نار گر سرایت باشد از آن برکنار^۲ این رضایت از شکست دیگران هست یک آسیب جدی بی‌گمان از معایب گر بگویم می‌توان نام برد از منع خیر از دیگران هم حسادت هست شایع بیشتر بی‌تفاوت گشتنش هم دردسر اینکه آیا جاگزینش لازم است؟ هست آری باید آن شیوه گسست

واژه‌ها را باید از نو کار بست بهر تغییر فضا زان شست دست اصطلاحاتی چو برتر یا نخست می‌کند جو رقابت را درست چون قیاس آرد تو را با دیگری گرچه یکسان نیستی در داوری در عوض کوشا چو خوانی یک کسی یا موفق، جو عوض گردد بسی یعنی اینجا کسب آن مقصود نیست جمله هم کوشا شود، محدود نیست کم نگردد ظرفیت‌ها از تلاش گو به هر سطحی در آن هستی تو باش لیس للانسان الما سعی^۳ نیستی یعنی تو از سعی‌ات جدا بحث الگوی موفق نفی نیست شخص اینجا نیست مطرح، شیوه چیست؟ راه توفیقش نمایانند و بس نی که تنها بود آن برتر چه کس؟ نی که تقلید از کسی الگو شود جملگی معطوف شخص او شود بلکه شوق فهم گرداند فزون

۱. اشاره به دو نوع رقابت که قبلاً ذکر شد.

۲. اشاره به این بیت سعدی دارد: توخواهی که شهری

بسوزد به نار / اگرچه سرایت بود برکنار

۳. قرآن کریم (سوره النجم / آیه ۳۹)

گر ز آثار نهان پرسی زمن
 نکته‌هایی هست و می‌گویم سخن
 آنچه گفتم در معایب عمدتاً
 گوید از آثار پنهانش سخن
 اینکه باشد این رقابت‌ها سلیم
 حقه‌ای باشد که گویند از قدیم
 بهر حفظ ظاهرش گفتند، این
 کاین رقابت با رفاقت شد عجین
 تا عیوبش پشت آن پنهان کنند
 این‌چنین آن را به ما عنوان کنند
 جای مشق «خوب‌بودن» در شعار
 سعی در برترشدن آمد به کار
 نکته دیگر که می‌دارد غرض
 شد وسیله با هدف جایش عوض
 یادگیری شد هدف در این مصاف
 گر چه پُل شد عاقبت بر این شکاف
 شد وسیله محض کسب امتیاز
 چون موقت هست فهمش، بی‌جواز
 هم موقت سود و سوزش پایدار
 سال‌ها آثار سوئش ماندگار
 آنچه صحبت بود پایش رسید
 تا منم پایان برم گفت و شنید
 گشته اشباع و کنون شد باورم

یادگیری خود شود شوق درون
 گفتم اما جاگزینش هم بگو
 گفت چیزی نیست کردم جستجو
 لیک گر جای هدف تغییر داشت
 بی‌گمان تغییر هم تأثیر داشت
 یعنی از تعقیب کار دیگران
 سوی خود رفتن بگیرد جای آن
 در قیاس آرد تلاشش با خودش
 یا خودش پیروز گردد یا خودش
 کم شود گوید تلاشم کم شده
 در نمودار، امتیازم خم شده
 نیست آسیبی که گفتم پیش ازین
 زین سبب لازم نیاید جاگزین
 در رقابت هست آثاری نهان
 اینکه جز من کس نیاید در میان
 اینکه خواهد کس نگیرد جای او
 گر بگیرد در حسد گردد فرو
 از شکست او گر بگردد گوشه گیر
 گر بداند باخبر گردد دبیر
 والدین اما ز هر جا بی‌خبر
 بی‌سبب گوید که باشد در خطر
 بی‌خبر کاو از رقابت ضربه دید
 این‌چنین او را نموده ناامید

دفتر این بخش را پایان برم
۷. بحث و تفسیر

چاقوی تحلیل بر اجرا زدم
دست خود تا کسب این آرا زدم
آنچه در برنامه درسی نهان
گشته را خواهم چنین سازم عیان
آنچه پنهان بود پشت این هدف
کشف بایستی چو گوهر در صدف
بر رقابت هرچه را باشد اثر
سعی کردم تا از آن جویم خیر
از سطوح عالی وصف هر چه هست
هر چه از واکاوی اش آمد به دست
هرچه تندور رقابت گرم داشت
هرکه چوب هیزمش از قبل کاشت
گفتگوها چون سرآمد آن زمان
صوت‌ها را متن کردم بعد از آن
شد مفاهیم نخستینش برون
گشت کدهایی نمایان از فزون
از طریق کدگذاری‌های باز
خوشه‌های محوری شد سرفراز
جمع شد کدهای باز در سه سو

گشت هریک محوری زان گفتگو^۱
آنچه از کدها بگردید آشکار
درسه بخش آرم به تفکیک از قرار
بخشی از آن ذاتی است از این جواب
کرده بخش دیگرش را اکتساب
یک کسی می‌گفت باشم ناتوان
تا رقابت‌جو شوم در این میان
هرچه کوشم باز فهمش هست سخت
دست من کوتاه و خرما بر درخت
بخش دیگر اکتسابی خوانده‌ام
از کجا آغاز سازم، مانده‌ام
از دبستان چون برون آید کسی
روی سَمپادش بود میلش بسی
در ورودی هست تست و آزمون
جذب معدودی ز تعدادی فزون
این‌چنین او کسب کرد این معرفت
در میان جمله دارد این صفت
گر معادی هم گذارد پای خود
روی سکو او بداند جای خود
پیش اندازد خودش باختلاف
از دبستان لب گشودست این شکاف

۱. برداشتی از استراس و کوربین (۱۳۹۰)

فرصتی شد تا دهد خود را نشان چون هم‌آوردی ندارد آنچه‌ان باسهولت می‌شود ممتاز، او خاص پندارد خودش را باز، او تا که در کنکور خاصان گرد هم یک رقابت می‌زنند آنان رقم باز کرسی‌های نیکو آن شان رشته‌های مانده آن دیگران آزمون‌های رقابت‌پروری جملگی دارند این سان جوهری حیف پندارند ماندن بیش ازین می‌روند آرام از این سرزمین مغز خود گیرند پنهان در بغل رشدشان تا اینکه نپذیرد خلل از فضای حاکم و فرهنگ آن نکته‌هایی را دهم اینک نشان آنچه بیرون شد از آن کدهای باز آورم اکنون که گردد چاره‌ساز هم عوامل هم دبیران با سپاس جلب خود سازند باهوش کلاس سهم و نقش اولیا در این میان نیست پنهان از نگاه بی‌گمان چشم و هم‌چشمی به‌عنوان قیاس

جو منزل را نماید چون کلاس هست در منزل شرایط همچنان چون که یکسان نیست سطح این و آن این فشار بی‌سبب آسیب‌زاست این رقابت در دو میدان ناسزاست حذف جو نامؤثر همچنین بر رقابت هم اثر دارد، یقین بر زبان بچه‌ها آمد همین چون هدف دارد برای کار خویش التزام آور کند رفتار خویش گفته شد نقش معلم پیش ازین مختصر گویم ز نقشش این‌چنین نقش ایشان در سه بخش افزا شد جای خود هر بخش نقشش باز شد ویژگی فردی در هر دبیر اولین بخش است و نقشش کم‌نظیر خلق و روی نیک و گرم و باوقار در تعامل لازم است و آشکار نقش آن را کی شود انکار کرد ارتباط از آن توان بسیار کرد ارتباط ارگشت پایا و قریب بهر جلب او بپا خیزد رقیب تاز خود راضی نماید آن دبیر

سعی دارد تا که باشد بی‌نظیر بود این کد نقل و تکرارش زیاد یعنی از نقشش چنین پرده گشاد از توانایی تدریس دییـر ذکر بایـد کرد بخشی ناگزیر در کلاسی که مدیریت شود هر پریشانی است جمعیت شود عرضه خواهد شد به جای خود از آن تا فراوان‌تر بود از آن نشان بخش دوم در روش یا رویکرد منحصر دانند بعضی آن به فرد هر روش باشد هدف قطعاً یکسیت غیر رشد دانش‌آموزان که نیست رویکردی هست نـزدم معتبر دانش‌آموزان همه گیرد نظر بر تفاوت‌های فردی بنگرد خوان لطفش بر تمامی گسترده چون ببیند در نظر باشد کسی بر تلاش خود فزاید او بسی در تسابق پا نهد زین اعتقاد تا کند بر او دبیرش اعتماد از فراگیران سؤالی گر نمود پاسخش بر لب نراند هیچ زود

بر زنگان هم نتابد روی خود تا نیانگیزد رقابت‌جوی خود فرصت یکسان دهد او بر همه سطح فهم و درک، داند در همه فرصت یکسان چنین شد بیش و کم چون توان هرکسی بُد بیش و کم جملگی باید که در وقت کلاس در تکاپو سر کنند و باحواس یادم آمد یک زمان در اعتکاف یک سخنرانی بیامد موشکاف دید چون در پشت صف صحبت کنند گفت چندین نکته تا رغبت کنند چون نشد، گفتا صف اول رسید^۱ نکته‌ای گفت او که صد باید شنید یک معلم آشیپز باشد کلاس تا نسوزد هم زند او از هراس ته اگر گیرد غذا بی‌فایده است کس نخواهد بر غذایت بُرد دست درس بایند مرده را جان آورد جملگی بایند به میدان آورد هرچه سازد جوّ درسی، نیست شک

۱. برسید = بیاید

بر تمرکز می‌نماید آن کمک بخش دیگر آن فضای عاطفی است بحث خواهم کرد این ابزار چیست مبحث تشویق و تنبیه است آن جای دیگر آرم از سود و زیان هرچه از بیرون شود تزریقشان نیست پایا تا به آخر بی‌گمان گر که تا بیخ درختی تر نشد سیل هم آید بر او بهتر نشد گر همه عالم شود روشن ز نور کی تورا سودی دهد، باشی چو کور شوق باید از درون جوشش کند تاچنان جنس خودش رویش کند

۸. پیشنهادها

سن یکسان در زمان ثبت نام اختلاف سطح می‌دارد دوام پیش از آن کاین فاصله گردد عیان اختلاف نمره بیند نوجوان برشکوفایی شود میلش فزون تا ببیند خویش را او از بیرون بر رقابت تن زند تا بذر او آشکارا گردد و آید به رو گفته شد این‌گونه و این اکتشاف

عرضه دارم تا شود کم این شکاف دانش‌آموزی که آید ثبت نام از سلامت کآورد نامه، تمام یا که عادی یا که استثنائی است ثبت‌نامش یک ازین دو جایی است هست استثنائی از ذهنی و جسم عادی از باهوش و معمولی دو قسم باید این غریبال گردد ابتدا تا رقابت جو شود اول جدا بهر استثنائی ار باشد مکان تیزهوشان نیز می‌باید چنان گرچه می‌گویند باشد نادرست در دبیرستان چرا بایست جست؟ از عدالت گرچه دور است این سخن اینکه گفتم تا جدا باشند، من تیزهوشان گر که حکمش بودن است حرف من، در ابتدا افزودن است ساز و کارش در پژوهش می‌توان موشکافی کرد و کردش امتحان لیک باید این فواصل کم شوند جملگی سرباز یک پرچم شوند عرضه دیگرکنون عنوان کنم آشکار است از چه من پنهان کنم

آنچه از نقش معلم گفته ایم جمله میدانیم اما خفته ایم چون گزینش نقل سرچشمه است و آب گر زلال آید نگرداند خراب تا رسد بر تشنه می باید بسی پاک داری تا نیالاید کسی بود انگیزه و یا روی نکو آن کد بازی که کردم پرس و جو گراهمیت چنان دارد چرا ما رها کردیم کل ماجرا؟ هر سه سال از بازمینی شود این نظارت همچو آئینی شود این تسابق با دبیران افکنیم ریشه‌ی بی حاصلی را برکنیم آن مراکز کاندیدان فرهنگیان جذب می گردند، هم گشته نهان چون خودم آنجا به سر بردم بسی جو آن دانم فزون از هرکسی آنکه می باید رقابت کم کند خود رقابت با همه عالم کند عرضه‌ی دیگر خطابم با دبیر تا کمی باشد برایش دست گیر گفت موسی (ع) در دعایش این سخن

از نیاز و نقصمان خارج مکن^۱ چون زیادت ها درون نقص هاست گنج با خاک خرابه آشناست آدمی خواهد تعادل جو شود تا تحول یابد و نیکو شود^۲ گفت خواهی مرحله پران شوی روبه‌رو باید تو با بحران شوی^۳ بی تعادل بودن اینجا آن نیاز گر به آن بحران خوری گردی فراز این همه گفتم که گویم این سخن در فراگیری نیازی باز کن تا ز پاداشت بگردی بی‌نیاز خود رود در گرد پاسخ تا حجاز نکته‌ای جا مانده از آنچه گذشت در جوابم این چنین عنوان بگشت اینکه گویی مدرسه یا که دبیر هست تنها آن مقصر ناگزیر لازم آمد گویم اینجا اولیا

۱. اللهم لا تُخْرِجني مِنَ التَّصْوِيرِ وَ لا تُجْعَلني مِنَ الْمُعَارِينِ (اصول کافی، جلد ۴، ص. ۳۷۰)

۲. سخنی از پیازه که «اصل تعادل جویی کلید تحول روانی بشر است».

۳. از سخنان اریک اریکسون روان‌شناس آمریکایی است که در مراحل رشد خود مطرح می‌کند.

نقششان افزون بود در ماجرا
 خود درون یک رقابت مانده‌اند
 زین سبب هر لحظه ذکرش خوانده‌اند
 بهر کسب برتری در اجتماع
 تا نمایند این عناوین استماع
 در قیاس افتند و خود هرسو زنند
 اعتباری تا برای خود خرنند
 گر بخواهیم آنچه توصیفی بود
 در دبیرستان همین جاری بود
 تا رقابت افتد از این تاب و تب
 چون دبستان از سر افتد این طلب
 بی شک آنجا نیست امکان و اثر
 اولیا یابند گر از آن خبر
 جمع هرگز من نبندم اولیا
 لیک می باشند جزو ماجرا
 گر کسی خواهد کند دنبال این
 عرضه دارم تا که پی گیرد چنین
 بادو جنسیت بجوید این هدف
 هم ستادش جوید و هم سطح صف
 یا نمون موردی گیرد بدست
 تا برآوردش کند سعی و شکست
 یا دبیرستان خاص و تیزهوش

بهتر از عادی دهد نکته به گوش
۹. محدودیت

نیک دانستم رهم هموار نیست
 عشق چون باشد دگر دشوار نیست
 شوق کعبه گر که باشد در قدم
 گر بود خار مغیلان نیست غم
 بایند از قالب بگویم ابتدا
 بود این محدودیت تا انتها
 وزن این ابیات بود اینگونه چون
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
 در چنین قالب نمی آمد گهی
 یک لغت تا بین آن جمله نهی
 بهر کسب جاگزین گاهی بسی
 در لغت نامه نمودم و ارسی
 گاه هم تولید می کردم خودم
 ناامید از جستجو گر می شدم
 با تسابق یا مخاص و شکلات
 گشت آسان جملگی این مشکلات
 با همه اینها به الطاف خدا
 زین دو بگذشتم ولیکن با عصا
 همکلامی همچنین محدود بود
 راه یکتا بهر این مقصود بود
 خواستم از هر دو جنس آرم درین

جنسیت تنها پسر شد جاگزین بود هم محدودیت بحث زمان تا نگردد آنچه دادم سازمان خواستم این هم کلامی در مخاص یک موارد دادم آنجا اختصاص هم معاون بودم و محدودتر همکلامی هم نمی‌شد زودتر بود یک ساعت چو هریک گفتگو من شدم با این موانع روبه‌رو قصد کردم با دبیران همچنین بعد دی صحبت کنم چون سایرین لیک زین بیماری واگیردار^۱ نامی‌سر بود بگذارم قرار با تماس صوتی آخر کار را کردمش آسان من آن دشوار را جای رو در رو نگیرد هیچ گاه عمق کم در گفتگو باشد گواه

با دبیران همانجا، این نشد با نکات نغزشان تزیین نشد چون که دانشگاه هم تعطیل شد مشکلاتی روی من تحمیل شد بر منابع هست کمتر دسترس تا به پیشینه شوم فریاد رس با همه اینها ز حق هم نگذیریم این صدف شد تا که گوهر پروریم این فراغت گر نمی‌آمد به پیش مانده بودم چون کنم با کار خویش در روایست‌های افراد از کلاس و آنچه را در قصه کردم اقتباس سعی بر آن داشتم در هر زمان آنچه گفتند آورم عیناً بیان آن میان گر یک نفر فرضاً سؤال داده سوگیرانه پاسخ، لامحال یا گمان دارم به بعضی گفتگوی یا ز پُستم یا ز بیم آبروی نکته‌ها سر بسته شاید شد بیان یا فقط بخشی بیامد بر زبان این همه دارد روایی را اثر چون مغیلان است در راه سفر

۱. در پی بحران دنیاگیری بیماری کرونا ویروس کوید-۱۹، در نقاط مختلف جهان، دنیاگیری کرونا ویروس در ایران به صورت رسمی در ۲۹ بهمن ۱۳۹۸ تأیید شد. فاصله اجتماعی و ایزوله کردن و قرنطینه مردم در خانه‌هایشان به عنوان مهم‌ترین وسیله پیشگیری مواجهه با بیماری شناخته شد و از همان روز اعلام، همه مدارس و دانشگاه‌های سراسر کشور تعطیل شدند.

جدول ۱- تشکیل مؤلفه‌ها و مقولات

کدهای باز (مفاهیم سطح ۱)	مؤلفه‌ها (مفاهیم سطح ۲)	کد محوری (مقوله)
توجه ویژه به تفاوت‌های فردی و استعدادهای دانش‌آموزان	۱-۱) روش و رویکرد تدریس	۱) نقش معلم
رعایت عدالت آموزشی		
روش تدریس مناسب و مفهومی		
اهمیت دادن به درس و امتحان		
جلب توجه کامل دانش‌آموزان در کلاس		
استفاده از کارگروهی در روش تدریس		
باانگیزه بودن برای تدریس	۲-۱) ویژگی فردی معلم	۲) ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان رقابتی
خوش‌برخوردی و خوش‌خلقی معلم		
توانایی معلم در تدریس	۳-۱) فضای عاطفی	
استفاده از انواع تشویق متعارف بدون تهدید		
مشاوره دقیق و ترسیم آینده شفاف		
ایجاد ارتباط مناسب و قوی بین دانش‌آموز و معلم	۱-۲) ویژگی‌های فردی رقابت‌کننده	
رقابت‌کننده‌ها دیگران را تحریک می‌کنند تا در رقابت باقی بمانند		
جلب توجه معلم		
پیشگیری از تحقیر شدن		
میل به تجربه کردن هر چیز		
توانایی و استعداد دانش‌آموز یا داشتن قابلیت رقابت		
مهم بودن نظر دیگران		
احساس خوش در زمان حسادت دیگران		
تلاش برای جلوتر بودن		
ارتباط صمیمی با رقیب		
اهمیت دادن به درس و امتحان		
داشتن انگیزه برای فهمیدن درس		
میل به کمک در رقابت‌کنندگان		
ترس از عقب‌افتادن در بین رقبا		۲-۲) تأثیرات رقابت بر

کدهای باز (مفاهیم سطح ۱)	مؤلفه‌ها (مفاهیم سطح ۲)	کد محوری (مقوله)
رقابت‌کننده‌ها ضعف بقیه را به تمسخر می‌گیرند	رقابت‌کننده	
رقابت‌کننده‌ها دوست دارند محبوب باشند		
بیشتر شدن تلاش بعد از کم شدن از رقیب		
توجه به نمره سایر رقبا		
لج‌بازی و درعین حال کمک به رقیبان		
چشم و هم‌چشمی اقوام	۱-۳) تأثیر والدین	۳) تعامل اثرگذار مدرسه و خانواده
مقایسه کردن‌های والدین		
وجود جو درسی و رقابتی	۲-۳) تأثیرپذیری از شرایط محیط پیرامون	
درگیر نشدن بچه‌ها با عوامل منحرف‌کننده مانند رفیق بازی و اعتیاد		
مورد توجه بودن دانش‌آموزان به اصطلاح زرنگ		
پرنرنگ تر شدن درس‌های تخصصی	۳-۳) تأثیر مواد درسی	
کنکور		
پرنرنگ تر شدن دروس تخصصی و کاربردی		

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابوطالبی، ن، مؤمنیان، ف. ص.، و نوروزی، خ. (۱۳۹۵). تحلیلی بر شیوه‌های ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی نظام آموزشی مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۲(۴/۲)، ۶۰-۷۹.
۲. استراس، آ.، و کوربین، ج. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها (ب. محمدی، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. اصلانی، ا. (۱۳۷۷). مقایسه اثربخشی سه روش رقابت فردی و تلاش فردی و رقابت گروهی در پیشرفت تحصیلی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده رشته روان‌شناسی تربیتی). دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۴. اصلانی، ا. (۱۳۸۷). مدرسه بدون رقابت. تهران: نشر دوران.

۵. افشارنیا. م.، عباسی، ر.، و دسترنج، م. (۱۳۹۷). بررسی مدیریت کلاس درس و روش کلاس‌داری معلمان در مدارس و مراکز آموزشی. پژوهش در هنر و علوم انسانی، (۱۰)، ۷۳-۸۸.
۶. اکبری، ا. (۱۳۹۰). نیازهای نوجوانان و جوانان (چاپ دوم). تهران: انتشارات رشد و توسعه.
۷. پناهنده، ر.، و افراشته، ت. (۱۳۹۶). دام رقابت و آسیب‌های آن در مدرسه. مجله رشد آموزش ابتدایی، ۲۱ (۴)، ۳۱-۳۳.
۸. خمارلو، م. ت. (۱۳۷۶). جست‌وجو در راه‌ها و روش‌های تربیت: تهران: نشر آگاه.
۹. دیانی م.، و تقی‌پناهی، ف. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه‌های مطالعه در دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۱ (۳۹)، ۵۶-۲۹.
۱۰. ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
۱۱. شارون، ج. (۱۳۷۹). ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی (م. صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۲. شعاری‌نژاد، ع. (۱۳۷۲). روان‌شناسی رشد. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۳. شعاری‌نژاد، ع. (۱۳۸۵). روان‌شناسی انسان سالم. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۴. شعبانی ورکی، ب. (۱۳۸۵). منطق پژوهش در علوم تربیتی و اجتماعی: جهت‌گیری نوین. مشهد: به‌نشر.
۱۵. صادقی، ج. (۱۳۹۰). عوامل رقابت‌جویی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی. فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت نظامی، ۱۱ (۴۱)، ۶۵-۴۳.
۱۶. صفایی موحد، س.، و ایزدی فر، ا. (۱۳۹۶). واکاوی رفتارهای خشونت‌آمیز آموخته شده در مدرسه از منظر برنامه درسی پنهان. فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، ۳ (۶)، ۱۵۰-۱۲۷.
۱۷. فتحی واجارگاه، ک. (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم اساسی برنامه درسی. تهران: نشر بال.
۱۸. کرامتی، م. (۱۳۸۰). رقابت یا رفاقت در کلاس درس. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۱ (۲)، ۱۳۹-۱۵۶.
۱۹. کرانباخ، ل. (۱۳۶۴). روان‌شناسی تربیتی (جلد دوم) (م. رضوی، مترجم). تهران: دهخدا.
۲۰. کرسول، ج. (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش انتخاب از میان رویکردها (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری: مطالعه موردی) (ح. دانایی فرد و ح. کاظمی، مترجمان) تهران: انتشارات صفار.

۲۱. گال، م.، بورگ، و.، و گال، ج. (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی (ا. ر. نصر و همکاران، مترجمان). تهران: انتشارات سمت.
۲۲. مهرمحمدی، م.، و امام جمعه، م. و حاتمی، ج. و موسی پور، ن. و میرشمشیری، م. (۱۳۹۶). برنامه درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها (ویراست ۳: با اضافات).: مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

23. Amabile, T. M. (1982). *Children's artistic creativity: Detrimental effects of competition in a field setting*. *Personality and Social Psychology*, 8, 573-578.
24. Babbedge, E., Strudwick, D., & Thacker, J. (2005). *Educating children with emotional and behavioural difficulties: inclusive practice in mainstream schools*. London: Routledge.
25. Chan, J. C. Y., & Lam, S., (2008). *Effects of competition on students' self-efficacy in vicarious learning*. *British Journal of Educational Psychology*, 78, 95-108
26. Coles, R. (1989). *The call of stories: Teaching and the moral imagination*. Boston: Houghton Mifflin.
27. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). *Intrinsic motivation and self-determination*. New York: Plenum Press.
28. Eisner, E. (2002). *The educational imagination: On the design and evaluation of school programs* (3rd ed.). Upper Saddle River, NJ: Merrill Prentice Hall.
29. Feshbach, S., & Weiner, B. (1991). *Personality* (3rd Ed.). Lexington: D.C. Heath and Company.
30. Franken, R. E., & Brown, D. J. (1995). Why do people like competition? The motivation for winning, putting forth effort, improving one's performance, performing well, being instrumental, and expressing forceful/aggressive behavior. *Personality and Individual Differences*, 19, 175-184.
31. Kohn, A. (1986). *No contest: The case against competition*. Boston: Houghton Mifflin.
32. Lam, S.-F., Yim, P.-S., Law, J. S. F., & Chenug, R. W. Y. (2004). The effects of competition on achievement motivation in Chinese classrooms. *British Journal of Educational Psychology*, 74, 281-296.
33. Kohn, A. (1991). Group grade grubbing versus cooperative learning. *Educational leadership*, 48(5), 83-87.
34. Mc Carthy, C. (2017) Boost student success overall by promoting collaboration instead of competition. *Recruiting & Retaining Adult Learners*, 20(2), 12-12.

35. Morgan, B. (2003). *Cooperative learning in higher education: Undergraduate student reflections on group examinations for group grades*. *College Student Journal*, 37(1), 40-50.
36. Myers, D. (1988). *Social psychology* (2nd. Ed.). New York: McGraw-Hill Book Company.
37. Onwuegbuzie, A. J. (2001). Relationship between peer orientation and achievement in cooperative learning-based research methodology courses. *The Journal of Educational Research*, 94(3), 164-170.
38. Ornstein, A., & Hunkins, F. (2018). *Curriculum foundations, principles, and issues*. London: Pearson Education.
39. Reber, A. (1985). *The Penguin Dictionary of psychology*. London: Penguin Books.
40. Ryan, K., Cooper, J. M., Bolick, C. M., & Callahan, C. (2021). *Those who can, teach*. Boston: Cengage Learning.
41. Tripathi, K. N. (1992). Competition and intrinsic motivation. *Journal of Social Psychology*, 132, 709-715.